

کوردستان

ارگان حزب دموکرات کوردستان ایران

www.kurdistanmedia.com

شماره ۸۵۱ | شنبه ۳۱ تیر ۱۴۰۲ | ۲۲ جولای ۲۰۲۳

تأمین حقوق ملی خلق کورد در چهارچوب ایرانی دموکراتیک و فدرال

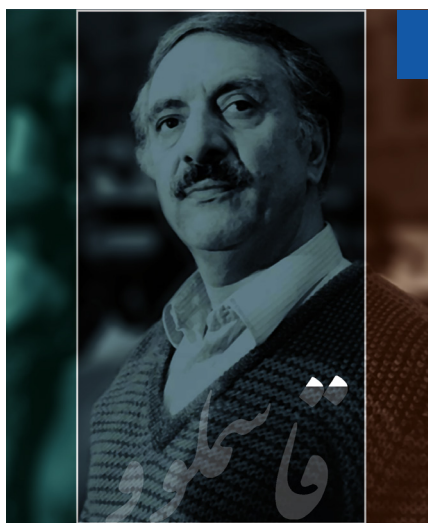
تثبیت وحدت فکری و سیاسی

تحکیم وحدت سیاسی و فکری، وظیفه‌ای اصلی و خطیر است که بر دوش همه‌ی افراد و ارگان‌ها و نهادهای حزبی می‌باشد. البته این نکته را بایستی مدنظر داشته باشیم که همه‌ی اعضا حزب مثل هم فکر نمی‌کنند و تفاوت دیدگاه وجود دارد.

هدف نیز این نیست که همگی مثل هم ببندیم. چراکه این نه ممکن است و نه به نفع مبارزات حزبمان است. هدف از این وحدت، جلوگیری از ابداع و خلاقیت فکری اعضای حزب نیست. وجود افکار و دیدگاه‌های متفاوت و دموکرات اعضای حزب، کلید حل صحیح مشکلات حزب و در راستای ترقی آن است. اما نمی‌توان عضو حزب بود و از پس‌زمینه‌های فکری سازمان و حزبی دیگر پیروی و تبعیت کرد... میزان انقلابی بودن هر حزبی سیاسی از آنجا خود را نمایان می‌کند که چگونه به گذشته خود و به ویژه اشتباهاتش می‌نگرد.

حزب انقلابی نباید هنگام صحبت کردن در مورد اشتباهاتش بیم آن را داشته باشد که ممکن است دشمنانش را خوشحال کند، یا اعتبار حزب کاهش یابد. برعکس، اعتراف به اشتباهات و اقدام به اصلاحشان، شهرت و اعتبار حزب را در میان توده‌های مردم افزایش داده و از سوی دیگر این مسئله نشان از جدی بودن و مسئولیت پذیری حزب است.

د. عبدالرحمن قاسبلو



تاکید رهبری حزب دموکرات بر:

سیاست اصولی، وحدت تشکیلاتی و گفتمانی حزب

اطلاعیه حزب دموکرات کوردستان ایران در خصوص تازه‌ترین نشست رهبری حزب

رهبری حزب دموکرات کوردستان ایران بمنظور بررسی و بحث و تبادل نظر در مورد وضعیت سیاسی در ایران و جنبش حق‌طلبانه کورد در کوردستان ایران تشکیل جلسه داد. روز جمعه مورخ ۳۰ تیر ۱۴۰۲ خورشیدی (۲۱ جولای ۲۰۲۳ میلادی) با حضور اکثر اعضای رهبری حزب دموکرات نشست کاری خود را با ادای احترام به شهیدان کورد و کوردستان برگزار کرد.

در آغاز نشست کاک مصطفی هجری، مسئول مرکز اجرایی حزب دموکرات ضمن برشمردن تحولات سیاسی چند ماه گذشته و تبیین مواضع سیاسی حزب در خصوص رخدادهای سیاسی، به ارائه‌ی گزارش کار و فعالیت‌های مرکز اجرایی حزب و ارگان‌های مربوطه پرداخت. ایشان در آغاز بحث خود با تحلیل انقلاب «ژن، ژیان، نازادی» (ژینا) و همچنین ارزیابی نقش فعال و پیشگام مردم کوردستان و فراگیری آن در همه‌ی نقاط ایران و بازتاب گسترده آن در سطح جهانی، مواضع و خوانش مرکز اجرایی و حزب دموکرات کوردستان ایران را یاد آور شدند.

مسئول مرکز اجرایی حزب در ادامه گزارش خود به علل حملات و اهداف حملات رژیم علیه حزب دموکرات، تداوم تهدیدات و فشارهای رژیم بر حزب در اقلیم کوردستان و همچنین تداوم ماشین ترور رژیم علیه مبارزین دموکرات اشاره کردند و همه‌ی این موارد را نشانه‌ی ترس رژیم از اراده توده‌های مردم در داخل ایران و پایگاه و نفوذ حزب دموکرات و جنبش سیاسی کورد عنوان کرد.

بحث در مورد اپوزیسیون جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور، چگونگی و سطح روابط حزب دموکرات کوردستان ایران با دیگر جریان‌های کوردستانی و ایرانی اپوزیسیون، موانع و اشکالات سر راه تشکیل آلترناتیو و علل شکست و ناکامی «منشور جورج‌تاون» و تداوم تلاش‌های حزب دموکرات کوردستان ایران در راستای گردهم آمدن اپوزیسیون کورد و ایران حول محور راهکار پیشنهادی حزب -که هم‌اکنون دارد در میان جریان‌های سیاسی در مورد آن تبادل نظر می‌شود- دیگر بحث و مسائلی بودند که کاک مصطفی هجری، مسئول مرکز اجرایی حزب دموکرات به آن‌ها پرداخت.

در بخش بعدی نشست رهبری حزب دموکرات کوردستان ایران کاک خالد عزیزی، سخنگوی حزب دموکرات هم بحثی را پیرامون وضعیت اپوزیسیون ایرانی، احزاب دوست و همپیمانان حزب دموکرات کوردستان ایران و مسئله آلترناتیو جمهوری اسلامی و فرصت‌های که انقلاب ژینا برای کورد و اپوزیسیون فراهم کرده، ارائه کردند. ایشان در سخنان خود تاکید کردند که در مرحله کنونی بسیاری از جریان‌های اپوزیسیون رژیم در خارج از کشور نقش حزب دموکرات کوردستان ایران در راستای همبستگی و نزدیکی جریان‌های سیاسی را لازم می‌پندارند. آقای عزیزی در بخشی دیگر از سخنان خود به دیدگاه و نظرات جامعه بین‌المللی نسبت به انقلاب ژینا و حاکمیت جمهوری اسلامی ایران پرداختند و با صراحت اعلام کرد که این طرفین هرکدام در راستای منافع خود به قضیه می‌نگرند.

در ادامه‌ی کار جلسه رهبری حزب، اعضای رهبری حزب ضمن تصویب تحلیل و گزارش مسئول مرکز اجرایی و سخنگوی حزب، سیاست و مواضع چند ماه گذشته مرکز اجرایی حزب دموکرات کوردستان ایران را در ارتباط با مسائل سیاسی مثبت ارزیابی کردند.

در این نشست نقش و فداکاری‌های افشار و طبقات مختلف جامعه کوردستان و همچنین جلب نظر افکار دیگر ملل ایران به سمت قضیه کورد طی انقلاب ژینا از سوی رهبری حزب دموکرات ستودنی عنوان شد و در همین راستا از نبود همبستگی اپوزیسیون و فقدان آلترناتیو به عنوان نقطه ضعف و مخرب هم‌اکنون اپوزیسیون عنوان و مورد انتقاد شد. با هدف جبران این خسران نیز، رهبری حزب دموکرات ضمن تأیید تلاش‌های مرکز اجرایی حزب در ارتباط با آماده کردن پیشنویسی از دیدگاه‌های مشترک میان اپوزیسیون با هدف ایجاد تصویری از ایران آینده، مرکز اجرایی و تیم دیپلماسی حزب را برای دیالوگ و رسیدن به نتیجه‌ای دلخواه و مقبول، موظف کرد.

رهبری حزب دموکرات کوردستان ایران در بخشی دیگر از نشست مجموعه‌ای از مسائل داخلی و تضادهای موجود در جنبش کوردستان را بررسی و ضمن تأیید تلاش و مواضع مرکز اجرایی حزب در راستای تفاهم و حفظ شیرازه داخلی جریان‌ها، تلاش برای اتحاد و همبستگی جریان‌های سیاسی را ضرورتی اساسی برای مرحله کنونی جنبش سیاسی کوردستان و ایران عنوان کرد.

گفتگو در مورد مجموعه‌ای از مسائل داخلی و ارگانی حزب نیز آخرین موضوع دستور کار جلسه رهبری حزب بود که با مشارکت و پاسخگویی مسئولان ارگان‌های حزب و مسئول مرکز اجرایی پس از بررسی همه جانبه موضع و تدابیر لازم در قبالشان اتخاذ گردید.

حزب دموکرات کوردستان ایران

مرکز اجرایی

۳۱ تیر ۱۴۰۲ / (۲۲ جولای ۲۰۲۳)



افزایش میزان جرایم سرقت

در استان کرمانشان

(۱ میلیون و ۴۰۰ هزار فقره دزدی طی سال ۱۴۰۱)

مسئولان پلیس استان کرمانشان اعلام کرده‌اند طی یک سال ۱۱ هزار و ۱۰۰ تن به علت دزدی بازداشت و زندانی شده‌اند. طبق آمار پلیس کرمانشان پرونده‌های مرتبط با دزدی در این استان ۱۹ درصد نسبت به سال گذشته افزایش داشته است. روزنامه «اعتقاد» هم طی گزارشی اعلام کرده طی ۵ سال گذشته دزدی به طور سرسام‌آوری افزایش یافته و پس از مصرف مواد مخدر، سرقت دومین جرم عمده در ایران محسوب می‌شود.

کارشناسان امور اجتماعی ایران بر این باورند که بحران اقتصادی و تأثیرات آن همچون بیکاری و طلاق علل اصلی افزایش سرقت در کشور هستند. همچنین در حالی که میزان دزدی مسئولان رژیم که تحت عناوین اختلاس و فساد مطرح‌اند قابل مقایسه با آمار سرقت عمومی نیست، اما پلیس تنها به مقابله با خرده‌دزدها می‌پردازند. در تازه‌ترین نمونه از فساد اقتصادی هیئت تحقیق مجلس رژیم سال گذشته گزارش داد که تنها در شرکت فولاد مبارکه اصفهان و در یک پرونده اختلاس که در آن ۹۲ هزار میلیارد تومان به سرقت رفت، هیچ کسی نه بازداشت و نه تحت تعقیب و بازجویی قرار گرفت. طبق آمار مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۶، بیش از ۲۴۲ هزار و ۴۲۵ مورد سرقت در سراسر ایران ثبت شده، این در حالی است که در سال ۱۴۰۱ به ۱ میلیون و ۴۰۰ هزار مورد رسیده است.

در نتیجه انفجار مین هفت

فعال محیط زیست

مجروح شدند

بعد از ظهر روز جمعه ۳۰ تیر، در پی آتش‌سوزی در جنگلهای مریوان و انفجار مین حداقل هفت فعال محیط زیست کورد در حالی که مشغول اطفاء حریق بودند، در جنگل‌های کانی‌میران این شهر مجروح شدند.

هویت پنج تن از این هفت فعال محیط زیست «برزان پیروزی، ماحد نیک‌پی، برهان مکی، آرام کیوان و سیوان نیک‌پی» احراز شده که با هدف معالجه به بیمارستان ابوعلی مریوان منتقل شدند.

جنگل‌های اطراف مریوان روز پنج‌شنبه ۲۹ تیر و از پنج مسیر پارک شنه، هردی خلیفه پشت روستای سیف علیا (سیتی ژوروو)، هردی کانی‌میران، هردی نی و هردی کانی‌پلک از سوی عناصر سپاه تروریست پاسداران به آتش کشیده شد و تاکنون عملیات اطفای این حریق با تلاش و فداکاری فعالین محیط زیست این شهر کماکان ادامه دارد. فعالین محیط زیست از مردم این منطقه خواسته‌اند برای کنترل آتش‌سوزی همکاری‌شان باشند.

بیانیه مرکز اجرایی حزب دموکرات کوردستان ایران در رابطه با ترور مبارزان سیاسی کورد در اقلیم کوردستان

**هم‌میهنان گرامی!
مردم حق‌طلب کوردستان!
مراکز و مجامع بین‌المللی!**

همچنان که اطلاع دارید طی یک هفته‌ی گذشته و درست در آستانه‌ی ۲۲ تیرماه امسال، سی و چهارمین سالروز ترور د. عبدالرحمن قاسملو، دبیرکل حزب دموکرات کوردستان ایران توسط دیپلمات تروریست‌های جمهوری اسلامی ایران در وین، پایتخت اتریش، تیم‌های ترور جمهوری اسلامی طی دو اقدام تروریستی در اقلیم کوردستان، جان سه تن از مبارزان سیاسی کورد را گرفتند.

روز چهارشنبه ۲۱ تیرماه ۱۴۰۲ خورشیدی و تنها پنج روز پس از ترور دو عضو حزب دموکرات کوردستان ایران عادل مهاجر (معروف به سرباز) و لقمان آجی در منطقه‌ی به نام هلشو (هه‌لشو) از توابع شهر قلعه‌دیزه به دست تروریست‌های جمهوری اسلامی ایران، بار دیگر دست خیانت و جنایت این رژیم خود را به یک مبارز کورد دیگر به نام سیامند شابیوی، عضو حزب که در شهرک بحرکه در استان اربیل رسانده و وی را ترور کرد. حزب دموکرات در سال‌های گذشته و در ادامه‌ی سیاست‌های جمهوری اسلامی

در ضربه‌زدن به جنبش سیاسی کورد در کوردستان ایران همواره هدف اصلی توطئه‌های رژیم بوده است. بمب‌گذاری شب یلدا در قرارگاه دفتر سیاسی حزب در سال ۱۳۹۵، ترور چند کادر و پیشمرگ حزب (قادر قادری، صباح رحمانی و موسی باباخانی) در مدت شش سال گذشته، حمله‌ی موشکی به مراکز و قرارگاه‌های حزب در تابستان ۱۳۹۷ و پاییز ۱۴۰۱ و ترور و اعدام جمع دیگری از مبارزان حزب دموکرات در داخل کشور نمونه‌هایی از تداوم رفتار و سیاست‌های جمهوری اسلامی و اقدامات تروریستی این رژیم نسبت به حزب دموکرات کوردستان می‌باشند.

موج جدید اقدامات تروریستی جمهوری اسلامی ایران در اقلیم کوردستان، نشان از تداوم تلاش و توطئه‌ی این رژیم است که طی مدت چند ماه گذشته و در ادامه‌ی آغاز انقلاب فراگیر ژینا آغاز گردیده است. این اقدامات تروریستی که هدفشان ضربه زدن به احزاب سیاسی کوردستان ایران و مبارزان ساکن در اقلیم کوردستان است، با حمله‌ی موشکی و پهپادی به مراکز و قرارگاه‌های احزاب در اقلیم کوردستان آغاز شد و با اعزام تیم‌های تروریستی جهت ترور مبارزان و فعالان وابسته به احزاب



تروریستی و توطئه‌گری‌های خویش تبدیل نماید. همچنین باید در قبال حفظ جان پناهندگان سیاسی خود را مؤظف و مسئول بدانند. بدون تردید اقدامات تروریستی جمهوری اسلامی و افزایش حملات و تهدیدات علیه احزاب سیاسی کوردستان از ابتدای انقلاب ژینا تاکنون از سوی نشانگر درماندگی این رژیم در مقابل اراده‌ی تحول طلبانه‌ی توده‌های مردم ایران و کوردستان و استیصال و سردرگمی در برابر بحران‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی‌ای که تا

گسترش اقدامات تروریستی در خاک کشورهای همسایه نیز می‌بیند؛ سیاستی که در طول حیات جمهوری اسلامی ادامه داشته است. حزب دموکرات کوردستان ایران که برخلاف ادعای مقامات رژیم کوشیده است جنبش حق‌طلبانه و انقلابی مردم به شیوه‌ی مدنی و مردمی به مقابله با این رژیم برخیزد و نیز جهت خنثی کردن توطئه‌های رژیم که در راستای خدشه‌دار کردن سیمای صلح طلبانه‌ی مبارزه‌ی مردم کوردستان و به انحراف کشاندن افکار عمومی مردم ایران در جریان است بر پرهیز از خشونت تأکید ورزیده است، این اقدامات تروریستی جمهوری اسلامی ایران را محکوم کرده و به مردم کوردستان در تداوم بخشیدن به مبارزه تا تحقق حقوق و آزادی‌هایشان اطمینان خاطر می‌دهد.

**حزب دموکرات کوردستان ایران
مرکز اجرایی
۲۲ تیرماه ۱۴۰۲ (۱۳ ژوئیه ۲۰۲۳)**

ترور دو عضو حزب دموکرات کوردستان توسط عوامل جمهوری اسلامی را محکوم می‌کنیم



سه جریان سیاسی همبستگی برای آزادی و برابری در ایران، شورای دموکراسی‌خواهان ایران و کنگره ملیت‌های ایران فدرال ضمن محکوم کردن این اقدام تروریستی رژیم جمهوری اسلامی ایران، اعلام می‌دارد که ماشین ترور رژیم جمهوری اسلامی علیه مبارزان سیاسی ایران فعال‌تر از قبل مشغول توطئه و ترور در داخل و خارج از ایران است و تروریسم دولتی رژیم در راستای ایجاد وحشت در بین اپوزیسیون و جامعه ایران عمل می‌کند. در واقع رژیم جمهوری اسلامی با این نوع اقدامات در تلاش است، جنبش زن زندگی آزادی را به چالش بکشاند، اما واقعیت امروز جامعه ایران این است که مردم از رژیم جمهوری اسلامی گذر کرده‌اند و ارعاب و ترور ایجاد شده توسط این رژیم صرفاً بر خشم مردم از آنان افزوده خواهد کرد.

**کنگره ملیت‌های ایران فدرال
شورای دموکراسی‌خواهان ایران
همبستگی برای آزادی و برابری در ایران
شنبه ۱۷ تیر ۱۴۰۲**

پیام مشترک اتحادیه‌های زنان، جوانان و دانشجویان دموکرات به مناسبت ۲۲ تیرماه سالروز شهادت دکتر قاسملو

آزادی اقشار جامعه همچون زنان و جوانان و دانشجویان دارد.

به شهادت رساندن د. قاسملو و همراهانش پای میز مذاکره، این ترور را حد زیادی از باقی ترورهای سیاسی جمهوری اسلامی مجزا کرده است. واقعیت امر این است که ترورهای دیگر نیز اقدام تروریستی و ضدبشری بوده که به نیروهای مبارز و شخصیت‌های توانمند ضربه وارد آورده است، اما سواستفاده جمهوری اسلامی از تاکتیک مذاکره و نیت پاک دکتر قاسملو جهت اجرای مقاصد شوم خود، پلیدی این جنایات را از هر حد و مرزی عبور داد. مسئله تنها این نیست که این ترور، یکی ترور دولتی است و در بالاترین سطح دولت و نظام جمهوری اسلامی نقشه ترور دکتر قاسملو را طراحی و اجرایی کردند؛ بلکه نقض عرف و اخلاق سیاسی با آشکارترین شکل پشت این جنایت مشاهده می‌گردد و تمامی این عوامل همراه با هم باعث جریحه‌دار شدن وجدان و غرور ملی کوردستان شد.

درود بر یاد و نام شهید دکتر قاسملو و همه شهیدان راه آزادی و سرافرازی کورد و کوردستان

**۲۲ تیر ۱۴۰۲ شمسی
۱۳ ژوئیه ۲۰۲۳ میلادی**

**اتحادیه زنان دموکرات کوردستان ایران
اتحادیه جوانان دموکرات کوردستان ایران**

اتحادیه دانشجویان دموکرات کوردستان



سه اتحادیه زنان دموکرات کوردستان ایران، اتحادیه جوانان کوردستان ایران و اتحادیه دانشجویان دموکرات کوردستان، به مناسبت فرا رسیدن ۲۲ تیرماه سالروز ترور دکتر قاسملو و همزمانش پیام مشترکی منتشر کردند.

متن پیام به شرح زیر است:
زنان و جوانان و دانشجویان گرامی!
۲۴ سال پیش و در روز ۲۲ تیرماه ۱۳۶۸، مصادف با ۱۳ ژوئیه ۱۹۸۹ میلادی، دکتر عبدالرحمن قاسملو، یکی از رهبران برجسته جنبش سیاسی کورد و دبیرکل حزب دموکرات کوردستان ایران، پای میز مذاکره از سوی دیپلمات تروریست‌های جمهوری اسلامی ایران در وین پایتخت اتریش، همراه با دو تن از همزمانش، کاک عبدالله قادری‌آذر، عضو کمیته مرکزی و نماینده حزب دموکرات در اروپا و دکتر فاضل رسول، هدف قرار گرفته و ترور شدند.

ماشین ترور و ارعاب جمهوری اسلامی همواره فعال بوده و از ترور کادر و

قاسملو، رهبری که سیگار کنت می کشید

او که از جوانی به اروپا رفته بود بیشتر از هر کسی غیر اروپایی جوهره تغییر تفکر و زندگی اروپایی را درک کرده بود. او بخوبی درک کرده بود که جوهره پیشرفت هر جامعه‌ای وجود اندیشه‌ای انتقادیست.

به خدمت حل مسئله بزرگ دنیای زیستی خود در آورد. بدین سان با ساختار فکری منتقد و مدرن با مسئله "کوردستان و کورد" مواجه می‌شود.

او که در ابتدا سمپات حزب توده (متماثل به شوروی) و کمونیست بود به زودی علیه خود می‌شورد و در برابر اینکه کیست و چه می‌خواهد شروع به پرسشگری می‌کند.

او به عنوان یک انسان کورد چه کسی بود؟ این مهمترین سوالیست که انسان کورد در صد سال اخیر با آن روبروست. او این پرسش بنیادی که در واقع شیوه مواجهه انسان کورد با دنیای پیرامون و درک مسئله خود بود را ارائه می‌دهد. ابتدا در کسوت یک آکادمیسیت با "کوردستان و کورد" و سپس بعنوان فعال سیاسی گزارش کمیته مرکزی به کنگره سوم حزب دموکرات کوردستان و نهایتاً بعنوان یک رهبر سیاسی برنامه مشخص "سوسیالیسم دموکراتیک" را مطرح می‌کند. او با متدولوژی آکادمیک و پژوهشها فراوان علمی مسئله کورد و کوردستان را مطرح می‌کند. کورد را بعنوان ملتی مستقل و کوردستان را سرزمینی اشغال شده که مردمانش اختیار حاکمیت بر سرنوشته خویش را از دست داده‌اند، معرفی می‌نماید. او حل مسئله ملی کورد را مسئله بنیادی حرکت و جنبش کوردستان معرفی می‌کند و بازگرداندن حق تعیین سرنوشت به ملت کورد را وظیفه اصلی جنبش آزادی‌خواه کوردستان می‌داند و سوسیالیسم دموکراتیک را بعنوان سیستمی در خدمت سعادت ملت کورد فرموله می‌کند.

نگاه انتقادی او در تمامی آثارش کاملاً مشهود است. او با نقدی رادیکال در گزارش کمیته مرکزی به کنگره سه حزب دموکرات بیرحمانه گذشته را نقد می‌کند. نقطه ضعفها را بدست می‌دهد و کژیها را مشخص و در نهایت نقشه راه را تبیین می‌کند. شاید کمتر نقدی مانند آنچه قاسملو می‌گوید باشد که جمهوری کوردستان را چنین موشکافانه و ظریف جراحی و پاتولوژی کرده باشد. نقاط مثبت و منفی آنرا مشخص و علل شکست و عدم تداوم حرکت را نمایان ساخته باشد. درباره حزب هم با همین نگاه به نقد پیشینه می‌پردازد و نقشه راه آینده را به کنگره ارائه می‌دهد. چنین روش تفکری در واقع در زمانه خود میان رهبران سیاسی کورد کاملاً بدیع بود. او ذهنی مدرن و نقاد داشت که دیگران فاقد آن بودند. در تلاطم و التهابات جهان چپ و سردرگمی چپ‌های کوردستان در بین خطوط مختلف او راه راست را پیدا کرد.

او به روشنی بر این عقیده بود که مبارزه ملت کورد برای رفع ستم ملی بر هر مبارزه‌ای دیگر ارجحیت دارد و مبارزه طبقاتی را دلیلی بر تضعیف مبارزه ملی نمی‌دانست. نقطه برخورد او و بعضی از کهنه هم قطارانش در کنگره چهارم حزب این نکته بود؛ مبارزه با امپریالیسم جهانی وظیفه جنبش کوردستان نیست! همین یک خط تحول عظیمی در سیاست حزب دموکرات و جنبش کوردستان را موجب شد. او حرکت در فضای سیاسی جهانی، منطقه‌ای و کوردستان را از منظر حل مسئله کورد می‌دید. اما گرچه عمیقاً با "ناسیونالیسم تنگ نظر" مخالف بود، همپیمانی قشرهای زحمت کش و استثمار شده جامعه را با قشر متوسط شهری که اصطلاحاً "خرده بورژوازی شهری" می‌نامید، ضروری می‌داند. او در گزارش برای کنگره سوم حزب صراحتاً اعلام می‌کند در روند مبارزه باید به خواسته‌ها و دغدغه‌های اقشار و طیفهای مختلف جامعه بخصوص طبقه زحمت کش و استثمار شده، باید توجه ویژه داشت. او هرگونه همپیمانی با نیروهای مرتجع و کهنه پرست را رد و حتی آنرا مضر می‌داند.

در آخر تنها می‌توان گفت که اندیشه‌های قاسملو و شیوه تفکر و مواجهه با مسئله کورد و کوردستان بسیار بنیادی، اصولی و نظام مند و هنوز معتبر است.

پی‌نوشت: در میانه تب جهانی چپ، طیفها و جریانات مختلف کمونیست و سوسیالیست حتی از لحاظ فورمیک و ظاهری هم قابل شناخت بودند چنانکه حتی بعضی از آنها سیگارهای مخصوص می‌کشند و با مظاهر آنچه به زعم خود بورژوازی بود دوری می‌کردند حتی سیگارشان. کنت یک برند سیگار آمریکاییست!



در باور قاسملو جامعه آرمانی سوسیالیستی نه یک جامعه بی طبقه بلکه جامعه‌ای بدون استثمار بود. مشخصاً هنگام طرح ایده سوسیالیسم دموکراتیک و تشریح آن به کاهش فاصله طبقاتی و نه حذف آن اشاره دارد. نظریات توسعه که در سالهای بعد مطرح و بر سرمایه انسانی و اجتماعی متمرکز شدند بیشترین تطابق را با تفکر قاسملو داشتند.



یعقوب روا

دموکراسی وجه منفعلی آن با رشد سرمایه و ارزش افزوده بود. در باور او جامعه آرمانی سوسیالیستی نه یک جامعه بی طبقه بلکه جامعه‌ای بدون استثمار بود. مشخصاً هنگام طرح ایده سوسیالیسم دموکراتیک و تشریح آن به کاهش فاصله طبقاتی و نه حذف آن اشاره دارد. نظریات توسعه که در سالهای بعد مطرح و بر سرمایه انسانی و اجتماعی متمرکز شدند بیشترین تطابق را با تفکر قاسملو داشتند. او در ضمن تشریح "کوتاه باس" مشخصاً می‌گوید برای پیاده سازی سوسیالیسم در کوردستان نیاز به بیست تا بیست و پنج سال زمان است و اشاره می‌کند اگر در طول مدت چند سال و به تدریج بتوان تفاوت دستمزدها را به یک به ده رساند این موفقیت بزرگ است.

جوهره "سوسیالیسم دموکراتیک" پیشرفت کوردستان از یک منطقه توسعه نیافته به یک سرزمین بیست که مردمانش در آن احساس سعادت داشته باشند، است. نیل به چنین هدفی جز به دست یازیدن به نظریات و راهکارهای توسعه ممکن نبود. توسعه ماهیتاً چند بعدی است و قریب به اتفاق نظریات توسعه مبتنی بر بسط توسعه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... است. از اهمیت آزادی و دموکراسی نزدیک به لیبرال دموکراسی و تاکید فراوان ایشان بر لزوم استقرار نظامی دموکراتیک که مبتنی بر مشارکت تمامی طیفها و جریانات سیاسی بوده، قابل استنباط است که ایشان بر توسعه سیاسی همانند توسعه اقتصادی در عین غیرمتمرکز شدن قدرت سیاسی تاکید موکد داشته‌اند.

او که از جوانی به اروپا رفته بود بیشتر از هر کسی غیر اروپایی جوهره تغییر تفکر و زندگی اروپایی را درک کرده بود. او بخوبی درک کرده بود که جوهره پیشرفت هر جامعه‌ای وجود اندیشه‌ای انتقادیست. نقطه عطف رنسانس اروپایی شکل گیری تفکر انتقادی بر قبل از خود بود. آن تکانه بزرگ فکری که بر هر آنچه قبل از خود بود با دیده تردید می‌نگریست. ابتدا درک، سپس نقد و نهایتاً رد می‌کرد و اندیشه‌ای جدید را بر تل خاکستر تفکرات زنده بنیاد می‌نهاد. این شیوه تفکر هر انسانی را مجهز به سلاحی می‌کرد که هیچ تفکری یاری مقابله با آن را نداشت. اندیشه نقاد ابتدا در فلسفه، هنر و ادبیات و سپس در علوم تجربی و رشته‌های دیگر نمود پیدا کرد. این سرآغاز مدرنیته و تولد انسان مدرن بود. بودلر می‌گوید: "مدرنیته شکلی از رابطه است که باید با خودمان برقرار کنیم. مدرن بودن یعنی خود را چنان که هستیم نپذیریم و علیه خویش قیام کنیم".

قاسملو در مواجهه با دنیا مدرن اروپایی بر علیه خود قیام کرد، خود را شناخت و خود را دوباره ترسیم کرد. اما او نه یک روشنفکر اروپایی با دغدغه‌های کوچک بلکه خود را در قامت انسانی با مسئولیت تاریخی می‌دانست. او هر آنچه را از ماهیت پیشرفت دنیای غرب درک کرده بود

در میانه تب جهانی جنبشهای کمونیستی و سوسیالیستی و جدال خطوط مختلف آن، قاسملو کسی بود که دیگر به باورهای مرسوم ذیل آرمان عدالت‌خواهی اعتقاد نداشت. او که خود را سابقاً مارکسیست و کمونیست می‌پنداشت در تز "سوسیالیسم دموکراتیک" در قامت دموکراسی‌خواهی عدالت‌خواه ظاهر می‌شود. بهار پراگ، بهار فکری قاسملو هم بود. اندیشه‌های الکساندر دوپچک رهبر آزادی‌خواه چکسلواکی، همان کشوری که قاسملو در آن تحصیل کرده و استاد مهمترین دانشگاهش بود، سایه سنگینی بر جامعه و فضای روشنفکری و آکادمیک اندخته بود. دوپچک می‌گفت؛ سوسیالیسم ما باید سیمای انسانی داشته باشد. او اگرچه در راس حزب کمونیست بود ولی دیگر معتقد به حکومت دیکتاتوری پرولتاریا و در واقع حزب کمونیست نبود. اصلاحات او در گشایش فضای روشنفکری، سیاسی، مطبوعاتی، اصلاحات اقتصادی و دیسانترالیزه کردن سیاست و بسط فدرالیسم چکسلواکی به مذاق حاکمان شوروی خوش نیامد. مردم که از کوتاه زمان هوای آزادی بهره‌مند شده بودند، به یکباره با حمله سخت و نظامی بلوک پیمان ورشو روبرو شدند.

در آن هنگام قاسملو استاد دانشگاه چارلز پراگ به همراه دیگر روشنفکران و آزادی‌خواهان با امضای بیانیه‌ای این حمله را محکوم و از آزادیهای موجود دفاع کردند. همین موضع گیری باعث اخراج او نه تنها از دانشگاه، بلکه کشور چکسلواکی شد. دکتر قاسملو همانند بهار پراگ عمیقاً متحول شده بود. او فاصله زیادی با سوسیالیسم موجود پیدا کرد. عنصر بنیادین در تحول فکری قاسملو نفی هرگونه دیکتاتوری و باور به دموکراسی بود. جوهره‌ای که تقریباً تمامی جریانه‌های چپ بلوک شرق و کشورهای جهان سوم از کوبا گرفته تا آلبانی و افغانستان فاقد آن بودند. در باور قاسملو سوسیالیسم نه نفی آزادیهای بنیادی انسان بلکه باید در خدمت تعالی فردی انسان و جامعه انسانی باشد. او مانند دوپچک اعتقاد داشت آزادی یعنی نفی هرگونه استثمار و بهره‌گونی و تعالی به فردانیتی قابل احترام. از این منظر هدف مبارزه انسانی نه تنها رهایی طبقاتی بلکه رسیدن به تعالی فردی بود. برداشتی رایکال و عمیق از آزادی انسان که مرز مشخصی با دموکراسی بورژوازی و توده گرایی چپ داشت. در هر دو انسان دیگر نه آن موجود رها و آزاد بلکه آلت دست بود. گرچه آزادیهای اجتماعی و سیاسی و فردی مدنظر او تفاوتی چندانی با لیبرال دموکراسی نداشت اما در اقتصاد ضمن احترام به آزادی اختیار فرد در مداخله اقتصادی وظیفه دولت را فراهم ساختن زیرساختهای اقتصادی-اجتماعی برای نیل به جامعه‌ای عاری از استثمار می‌دانست. مرز مشخص نظرگاه قاسملو با سوسیال

وقتی احادیث جای خود را به روایات فاشیستی می‌دهند

مذهب و میهن همچون دو قلمرو عمومی از انحصار و قبضه سلطنت و روحانیت بیرون می‌آید. هنگامی که در تعریف و همچنین شناخت یک نیروی جمهوری اسلامی ایران، اختلافی به نسبت دوری و نزدیکی به "مرزهای مقدس" دیده می‌شود، لازم است بار دیگر سوال کنیم اساساً "امنیت" و "امنیت ملی" در ایران چیست و چگونه وارونه‌سازی شده و این دو چه ارتباطی با ادعای نمایندگی منافع عمومی دارد. گفتمانی که همان نیروی سرکوبگر در تهران و قم و... را در "مرزهای مقدس" -مثلاً بلوچستان- "مرزبان میهن" نام می‌برند.

عقلانیتی که ممکن است اتفاقاً کوردستان را به دلیل مقاومت بستاید، اما در جایی که لازم ببیند در حد اشد شایسته تنبیه بداند. جایی که می‌گوید من فقط می‌خواهم مبارزه کنم، تقدیر و تشکر و در جایی که می‌گوید من هم، همچون دیگر انسان‌ها و گروه‌های اجتماعی انگیزه و مطالبات و حقوق خود را همراه و همزمان با دیگران مطرح می‌کنم؛ به شدت سرکوب می‌شود. در واقع اساس مسئله بازتعریف نقش و عاملیت مردم در تمام سطوح است و اینکه اساساً چرا در یکصد سال گذشته دو نیروی وکالتی، بدون اثبات وکالت! آن را به طرق مختلف به انحصار درآورده و از آن، یک مالکیت جعلی بر ساخته است.

این رویکرد دست به سرکوب می‌زدند؛ به یکباره با چرخشی در ترمینولوژی، وام‌واژه‌های وارونه‌نمایی وضعیت را از فاشیست‌های قوم‌پرست گرفته و مخالفان را "ایران‌ستیز" نام بردند!

کلیت این دو بر مبنای منافی شکل گرفته که از اساس با "منافع عمومی" یا در مفهوم متعالی‌ترش، خیر عمومی در تضاد و تعارض ماهوی هستند. به عبارت دیگر دو نهاد سلطنت و شیعه‌گری، تنها بخشی از شبکه‌های متصل بهم قدرت‌اند که همواره از منافع عمومی به عنوان یک منبع تغذیه سود جستند. چگونه می‌توان مدعی شد شاهی که با کودتا روی کار آمد، به دستور یک کشور دیگر تبعید شد و همانجا جان سپرد، ارتباطی با خواست و اراده عمومی داشته، در حالی که به گواه تاریخ حتی تا چند سال در برخی نواحی جغرافیای ایران، نام شاه مملکت اسمی ناشناخته بود.

همانگونه که جمهوری اسلامی بر امواج سیل خروشان اعتراضی ۵۶ مسلط شد و این کار نه با تلاش و اقناع، بلکه با توسل به خشونت عریان انجام گرفت و ۴۵ سال گذشته با حاشیه‌امنیتهی که نهاد موازی همگون (سلطنت فاشیستی) برایش خلق کرد به حیات ادامه داد. اعتراض به این دو رویکرد البته، کاریست که احتمالاً تنها در درازمدت جواب می‌دهد، یعنی هنگامی که به تلاش طرفداران دموکراسی مفاهیمی مانند



کیوان درودی

ایران مدرن به عنوان دولت‌ملت آمرانه (برساخته از بالا به پایین)، بر دو رکن اساسی مذهبی (شیعی) و فاشیستی-قومی (پارس‌سالار) بنا شده و این دو مبنای بر حسب موقعیت -اوج و زوال- جای خود را به قرائت دیگری از "ایرانیت" و "ایرانی‌بودگی" می‌دهند. وقتی پهلوی احساس کرد تکیه بر نهاد

تشیع آخوندمحور چنان موثر است که حتی بر برکناری مصدق و توفیق کودتا ردی از خود بر جای می‌گذارد؛ دیگر هرگز با همان رویکرد ابتدایی اوایل به آن‌ها ننگریست. او البته در ابتدا تصور کرد که می‌تواند نهاد تشیع را از قدرت کنار بگذارد، اما بعدها متوجه شد که نیاز روایت فاشیستی او به احادیث -مطلوب- آخوند به عنوان تمام‌کننده حیاتی‌تر از آن است که بتواند موضعی رادیکال علیه‌اش اتخاذ کند. جمهوری اسلامی ایران هم، به عنوان

انقلاب خود ساخته



می‌دادیم. زنده یاد دکتر عبدالرحمان قاسملو می‌فرمایند: "ملتی که خواهان آزادی باشد، باید بهای آن را نیز پرداخت کند، زیرا در طول تاریخ هیچ ملتی به آزادی نرسیده مگر آنکه بهای آن را پرداخته باشد." به این امید که هرچه زودتر همه‌ی اپوزیسیون واقعی جمهوری اسلامی برای گذار از این رژیم ائتلافی تشکیل داده و در نهایت در آینده‌ای نزدیک شاهد ایرانی نوین باشیم که در آن حقوق همه‌ی تنوعات ملی، مذهبی و دیگران تامین شود.

ممکن است در این راه قربانی زیادی داده شود و روزانه شاهد اخباری هستیم که در کوردستان، بلوچستان و دیگر نقاط ایران بسیاری اعدام و گلوله‌باران و شماری نیز مجبور به ترک سرزمینشان می‌شوند. اما سوال اینجاست مگر در شرایط کنونی رژیم ایران مردم معترض و دگر اندیشان را روزانه اعدام، زندانی و مجبور به ترک کشور نمی‌کند؟ پس با محاسبه‌ی آمار قربانیانی که تاکنون جمهوری اسلامی از ما گرفته، شاید غیر منطقی نباشد که بگوییم اگر انقلابی فراگیر و گسترده در جریان بود شاید به همین اندازه قربانی

کشورهای قدرتمند که بیشترین تاثیر را در سازمان ملل دارند تنها چیزی که از آن دفاع می‌کنند و برایشان حائز اهمیت است منفعت کشورهای خود است و سقوط رژیم تروریستی جمهوری اسلامی در راستای منافع آنان نیست. بنابراین نمی‌توان چشم به راه منجی بود که یا رژیم ایران را خود ساقط یا ما را در سرنگونیش کمک کند. تنها راه برای سرنگونی رژیم به راه انداختن انقلابی فراگیر و سازماندهی شده است. اما لازم به ذکر است چنین انقلابی مستلزم اراده‌ای راسخ و شجاعانه است که

مردم بی‌دفاع چین ندارد و این کار باعث ناراحت شدن نمایندگان شد و جلسه به هم خورد.

"سون" بعد از تلاش‌های مکرر نتوانست حتی یک کشور را هم مقنع کند که از انقلاب پشتیبانی کند و در نهایت در فراخوانی از مردم چین خواست با تمام قدرت مقابل امپراطوری بایستند. در این خیزش انقلابی مردم چین توانستند بعد از چل روز مبارزه و با وجود خون بهایی سنگین و به ویژه کشته شدن حدود ۴ هزار سربازی که به جبهه مردم آمدند "هانگ یانگ" را تصرف کنند، اما هنوز همه‌ی کشور را تحت کنترل خود در نیآورده بودند.

در این هنگام "سون یات سن" به عنوان رییس جمهوری خلق چین انتخاب شد و در یکی از سخنرانی‌های خود اعلام کرد اگر "یوان شی کای"، فرمانده کل نیروهای مسلح در مقابل امپراطوری بایستد و انقلاب پیروز شود از سمت ریاست جمهوری کناره‌گیری خواهد کرد و همین موضع صحیح موجب سقوط "دودمان چینگ" و پیروزی نهایی مبارزین شد.

قسمت اول این رویداد تاریخی یعنی منتظر منجی و چشم به راه دیگران بودن، تا حدودی مشابه انقلاب "ژن"، زندگی، آزادی" است. همه شاهدیم که برخی از اپوزیسیون ایرانی چشم به راه تصمیم کشورهای قدرتمند هستند که از انقلاب پشتیبانی کنند و این امر می‌تواند گفت که غیر ممکن است.

تاریخ پر از رویدادهایی است که مملو از درس‌هایی برای آموختن است، با این وجود بس از گذر زمان اشتباهاتی مشابه تکرار می‌شوند!

در سال ۱۹۱۱ میلادی "سون یات سن"، رهبر انقلاب چین برای اینکه انقلاب کمتر قربانی بگیرد، دست به دامن بانکداران اروپایی شد که به امپراطوری چین یعنی خاندان چینگ وام ندهند تا بلکه با این اقدام مانع جذب منابع مالی و نهایتاً قدرتمند شدنشان شود. اما بانکداران اروپایی تنها چیزی که برایشان اهمیت داشت تجارت و منافعشان بود و نهایتاً برعکس خواست "سون" اقدام کردند.

در جلسه‌ای که پیرامون همین مسئله میان نمایندگان چین و بانک‌ها برگزار شد، "سون" بدون این که دعوت شده باشد خود را به جلسه می‌رساند. رهبر انقلاب مردم چین "سون یات سن" بر سر میز غذاخوری حاضر و با تقسیم گوشت بر سر میز نمایندگان بانک‌های اروپایی سعی کرد به آنها بفهماند که دادن وام باعث قدرتمند شدن امپراطوری در مقابل انقلاب مردم چین می‌شود و از این طریق امپراطوری با وام دریافتی اسلحه و مهمات برای مقابله با مردم بی دفاع به دست می‌آورد و گوشتی که در حال خوردن آن هستند هیچ فرقی با خوردن گوشت



کامیل شریف صفایی

دموکراتیزه شدن ایران، مستلزم مبارزه‌های طولانی



ارسلان برنا

مبارزه‌ی ملت کورد در کوردستان ایران در جهت دستیابی به حقوق طبیعی، قانونی و مشروع خود سابقه‌ای تاریخی دارد. از

زمان به قدرت رسیدن قاجارها و در جریان تشکیل گروه‌های ملی مذهبی در سرتاسر ایران، کوردستان ایران نیز دستخوش تغییر و تحولات اساسی هماهنگ با جهان مدرن شد. شروع جنگ جهانی اول برای ملت کورد در هر چهار بخش کوردستان نویدبخش دوره‌ای نوین برای ایجاد یک کيان سیاسی بود که با تاسیس نهادهای سیاسی و مدنی در کوردستان همراه بود. سقوط امپراطوری عثمانی و تلاش‌های رضاشاه تحت عنوان جمهوری خواهی، پیامدهای سیاسی غیرقابل بازگشتی برای کشورها در پی داشت که درست همزمان با تلاش ملت کورد برای گذار به بنیان‌های اولیه و اساسی دموکراسی بود. تاسیس جمهوری کوردستان توسط پیشوا قاضی محمد در شهر مهاباد نمونه‌ای بارز از مبارزات رهایی بخش ملت کورد در طی یک قرن اخیر است که به نوبه‌ی خود نقطه عطفی در مبارزات کوردها برای تشکیل یک کشور مستقل به شمار می‌آید. کوردستان ایران، برخلاف سایر بخش‌های کوردستان بیشتر از هر چیز دیگری به بنیان‌های ناسیونالیستی خود ارجاع دارد و نفس این موضوع باعث گردیده که نه تنها موضعی خنثی در قبال سایر بخش‌ها به خود نگیرد بلکه حتی فعالانه از فعالیت‌ها و مبارزات آنها حمایت کند. کوردستان ایران در واقع پیشاهنگ دولت مدرن کوردی است و در این راه کارنامه‌ی درخشانی از خود به جای گذاشته است.

مسئله‌ی ملت‌های تحت سلطه‌ی رژیم‌های غیردموکراتیک یکی از چالش برانگیزترین موضوعات مطرح در خاورمیانه است. یک نمونه از این دست موضوعات، تقابل یک قرن اخیر ملت‌های تحت ستم در جغرافیای ایران با سیستم‌های سیاسی حاکم بر آنهاست. حاکمیت در تهران، در تمام ادوار تاریخی، سیاست همگون‌سازی ملی - مذهبی را اعمال کرده است که اغلب نتیجه‌ی آن خونین و با پیامدهای منفی بسیاری برای جوامع تحت تاثیر همراه بوده است. به رغم فضای امنیتی آکنده از سرکوب، ترور و محاصره‌ی اقتصادی علیه کوردها در ایران؛ ملت کورد همواره از پیشگامان تلاش برای دموکراتیزه کردن چنین حکومت‌های غیردموکراتیک و مرکزگرایی بوده است. هرچند نباید از یاد برد که پیگیری مطالبات برحق مردم

نیاز به رویکردها و راهکارهای دموکراتیک و منطبق بر اصول فراگیر تعریف شده بین‌المللی دارد اما بسیار حایز اهمیت است که بر اساس اصول آن دست به بازیگری در میدان سیاست زد.

اینک اگر به سیر تحولات بعد از انقلاب سال ۱۹۷۹ نگاه بیندازیم متوجه خواهیم شد که تمامی بازیگران حاضر در میدان سیاست در ایران به غیر از کوردها هیچ پس زمینه‌ی تاریخی چشمگیری از نهادها در فردای بعد از سقوط خاندان پهلوی نداشتند. در واقع حکومت غیردموکراتیک جمهوری اسلامی ایران نیز همچون سلف خود در دهه‌های گذشته و همچون جریان‌های سلطنت‌طلب، خود را نماینده‌ی امتی واحد تحت عنوان "امت اسلامی" تعریف کرده و تا به امروز نیز سعی در بیرون راندن و انکار و نابودی سایر بازیگران علی‌الخصوص احزاب دموکراسی‌خواه کورد داشته است. به زعم حکومت‌های غیردموکراتیکی چون حکومت ایران (و حتی بعضی از گروه‌های اپوزیسیون ایرانی) دموکراسی‌خواهی و در نهایت تاسیس مناطق فدرالی جز با دموکراسی شدن و نهادهای وابسته به آن ممکن نمی‌شود. بنابراین چنانچه احزاب کورد دارای نقشه راه و خط مشی سیاسی با مرزبندی‌های تعیین شده و دارای خطوط معین ملت نباشند تحولات ایران در هر شرایطی می‌تواند هرچه بیشتر به بحران‌های سیاسی و هویتی در شرق کوردستان دامن بزند.

در چنین بستری شاید بتوان نظریات و بنیان‌های فکری دکتر قاسملو را بهتر واکاوی و عمیقتر درک نمود. با وجود اینکه بعد از انقلاب ۱۹۷۹ تا کنون شخصیت‌های برجسته‌ی زیادی در میدان سیاست گام نهاده‌اند اما دکتر قاسملو همچنان از معدود شخصیت‌های صاحب مکتبی به شمار می‌رود که هم درکی واقع بینانه از تحولات زمانه‌ی خود در صحنه‌ی سیاسی ایران داشت و هم توانایی جریان سازی در میان سایر ملت‌ها. در حقیقت قاسملو، دموکراسی را در تمام ابعاد آن به لحاظ سیاسی اقتصادی اجتماعی و حتی امنیتی و دیپلماتیک خواستار بود و چنین عقلانیتی می‌توانست به شکل گیری، رشد و شکوفایی هرچه بیشتر نهادهای دموکراتیک در کوردستان و سراسر ایران بینجامد و ذهنیتی تکثرگرا در میان بازیگران عرصه‌ی سیاست به وجود بیاورد. اعتقاد راسخ قاسملو به دموکراتیزه شدن سیستم سیاسی و مذهبی ایران توانایی این را داشت که ایران را به سمت گذار به یک دموکراسی پایدار رهنمون سازد. مسئله‌ی دموکراتیزه شدن به خودی خود در همه‌ی ادوار تاریخی به اشکال گوناگون

خود را نمایان ساخته است و پدیده‌ای نیست که رژیم جمهوری اسلامی ایران یا احزاب دیگر ایرانی بتوانند یا بخواهند آن را به ملت کورد ارزانی دارند. این بدان معناست که کوردها نیز به مانند سایر ملل از ابتکار عمل، جهت گیری سیاسی و مدیریت برخوردارند اما نکته‌ی حیاتی که حزب دموکرات کوردستان ایران و رهبران آن بارها مورد تاکید قرار داده‌اند بنیانگذاری نهادهای دموکراتیک باثبات است.

قدرت تاثیرگذاری نهادهای دموکراتیک در سطح جامعه و حکومت بر کسی پوشیده نیست. با وجود اینکه نهادها در ایران بیشتر با حکومت تعریف شده و به کار و فعالیت‌های سیاسی پرداخته‌اند اما فاقد هر گونه معیار مدرن و دموکراتیک و فاقد مسئولیت پذیری بوده‌اند و اساسا مستقل از نهاد قدرت و حاکمیت عمل نکرده‌اند؛ حاکمیتی که در طول چندین دهه‌ی گذشته خود را استبدادزا و غیردموکراتیک تعریف و بازتولید کرده است. مطمئنا ایجاد و تثبیت نهادهای دموکراتیک مستلزم مبارزه‌ی طولانی مدت است و خوانش قاسملو خوانشی منطقی از رویکرد و رویه‌ها بود و این تجربه‌ی عمیق بین نسلی از مبارزات آزادی‌خواهانه ملت کورد بر علیه رژیم تلقی می‌شود. بر مبنای چنین خط مشی و رویکردی که مورد انتظار قاسملو از جامعه و احزاب (علی‌الخصوص حزب دموکرات کوردستان ایران که در آن زمان دبیرکلی آن را نیز بر عهده داشت) بود باید پذیرفت که اساسا وطن مشترک اگر قرار است که موجودیتی داشته باشد، آن موجودیت متعلق به یک فکر سیاسی یا یک دین و یا یک واحد زبانی مشخص نیست بلکه از شهروندان با زبان‌ها، ملیت‌ها و دیدگاه‌های سیاسی و فکری و ادیان شکل گرفته و اعمال هرگونه تبعیض ملی مذهبی یا ایدئولوژیک و جنسیتی در آن پذیرفته نخواهد بود. جامعه‌ی کوردستان و ملت کورد با چنین ذهنیتی در ایران هم مسئولیت خود را در قبال مبارزه با رژیم غیردموکراتیک بر عهده گرفته‌اند و هم از افتادن به دور باطل قبول سیاست‌هایی که به آسمیلاسیون سیاسی فرهنگی یا ملیتی و زبانی آنها بینجامد جلوگیری کرده، و به مقاومت پرداخته‌اند.

ملت کورد پیشگامان راستین آزادی‌خواهی و دموکراسی هستند. در چنین بستر ذهنی‌ای بود که در حزب دموکرات کوردستان ایران به عنوان یک نهاد رسمی و دموکراتیک که اصول جامعه‌ی مدرن را در خود تفویز و عملی نموده بود شخصیت‌هایی چون قاسملو و شرفکندی که اعتقادی راسخ به دموکراسی و تکثرگرایی، عدالت اجتماعی و صلح و



همزیستی همه‌ی ملت‌های درون جغرافیای ایران را داشتند پرورش یافتند. عبدالرحمان قاسملو در آن مقطع حساس تاریخی برای ملت کورد در کوردستان ایران، با وجود خوانش خود از جهان سیاست به این اصل پایبند بود که نباید خارج از سیستم دولت ملت دست به عمل زد چرا که با چنین اتفاقی تمامی تلاش‌ها می‌تواند در خدمت گروه‌ها و جریان‌های دیگر قرار بگیرد و ملت کورد آزادی عمل خود را به صورت تمام و کمال از دست بدهد. سیستم خودمختاری در چارچوب ایران که حزب دموکرات کوردستان ایران و رهبران آن من جمله قاسملو برای آن مبارزه می‌کردند (و رهبران کنونی نیز می‌کنند) امکان این را به وجود می‌آورد که جامعه‌ی کورد با رجوع به ریشه‌های خود به دنبال تحقق جامعه‌ای کاملا دموکراتیک عاری از هرگونه دیکتاتوری و تبعیض‌های ملی و جنسیتی باشد. در چنین شرایط حساسی که شاهد تحولات محسوس در بخش‌های دیگر کوردستان هستیم و کوردستان ایران نیز دائما تغییرات چشمگیری را تجربه می‌کند، نباید جامعه را به سمت بیگانگی از اصول و بنیادهایی برد که در آن ریشه داشته و به آن اعتقاد دارد. بدون شک ایجاد یک کيان سیاسی اولویت و هدف نخست ملت کورد است، اما اینکه به چه نحوی چنین گذاری ممکن شود مسئله‌ای است که تغییرات درون سیستمی برای همگان از جمله احزاب کوردستان، آن را مشخص خواهد کرد. جمهوری (ایجاد مناطق خودمختار یا فدرالی) بر مبنای هم پیمانی گروه‌های مختلف شکل خواهد گرفت و قاسملو از همان اوان به این نکته واقف بود و به دنبال خط کشی‌های ملی نبود تا بتواند با توجه به بافت جامعه‌ی کوردستان از انشقاق‌ها

در کنار جریان‌های دیگر جلوگیری به عمل آورد.

گرچه ترور هم در رژیم سابق و هم رژیم جمهوری اسلامی ایران به عنوان راهکاری برای به تسلیم وا داشتن و از میدان به در کردن رقبای سیاسی مورد استفاده قرار گرفته و چنین امری به کل در تقابل با نهادها و رویکردهای حزب دموکرات کوردستان ایران در جهت تحقق خواسته‌ها و آزادی‌های ملت کورد بوده است اما با قاطعیت می‌توان گفت که رویکرد حزب و رهبران آن، دموکراسی و نهادهای وابسته به آن را به خوبی در جامعه نهادینه و فراگیر ساخته است و این در آینده تغییر و تحولات چشمگیر و غیرقابل انکاری را رقم خواهد زد. برای مثال اعتراضات اخیر در کوردستان و ایران بار دیگر بحث درباره‌ی دموکراتیزه شدن ایران به عنوان آلترناتیو اصلی را دوباره وارد گفتمان سیاسی کشور کرد و مسئله‌ی کوردها به محور اصلی در مناقشات بدل گشت. چنین امری این حقیقت را به همگان یادآور شد که ترورها و از میان برداشتن شخصیت‌ها نمی‌تواند مسئله‌ای به نام ملت کورد و حقوق و آزادی‌های آنان را به حاشیه براند بلکه این نهادها و رویکردهای حزبی در قبال مسئله‌ی کوردهاست که جهت بحران‌ها را مشخص و مدیریت می‌کند. لذا در چنین شرایطی هم حکومت مرکزی و هم گروه‌های اپوزیسیون ایرانی باید از ذهنیت اشغالگری و استثمار عاری شوند و به اصول دموکراسی و معیارهای دموکراتیک اعتقادی راسخ پیدا کنند. شخص محوری حتی اگر اپوزیسیونی نیز باشد باز هم جامعه را وارد یک دوره‌ی استبدادی دیگر خواهد کرد که با معیارهای جامعه‌ی کوردستان و احزاب آن کاملا در تضاد است.

بازداشت پاسخ می‌دهد. اکنون ده‌ها معلم کورد و دیگر ملت‌های ایران به اتهام حق‌طلبی زندانی شده و شکنجه می‌شوند. در سی و چهارمین سالروز استاد دانشگاه و رهبر نامی کورد شهید د. قاسملو با راه

پیام اتحادیه صنفی معلمان کوردستان ایران در رابطه با سالروز ترور دکتر قاسملو

شروع و مقدسش تا رسیدن به پیروزی تجدید عهد می‌کنیم.

درد بر مقاومت معلمان کورد

پیروزی برای انقلاب ژینا

۲۱ تیر ۱۴۰۲ شمسی

به حقوق ملی کورد و دیگر ملت‌های ایران ندارد. لذا رژیم جمهوری اسلامی اکنون نیز مطالبات برحق انقلاب ژینا را با بازداشت و زندان و اعدام و همچنین صدای حق‌طلبانه معلمان را با اخراج و

ترور ناجوانمردانه رهبر فرزانه ملت کورد بر سر میز مذاکره از سوی دیپلمات‌های تروریست‌های رژیم جمهوری اسلامی ایران، نشان‌دهنده این واقعیت است که فکریت عقب‌مانده آخوندی هیچ اعتقادی

اتحادیه صنفی معلمان کوردستان ایران به مناسبت فرا رسیدن ۳۴مین سالروز ترور رهبر نامی کورد شهید د. قاسملو پیامی منتشر کرد.

متن پیام به شرح ذیل است:

نگاه د. قاسملو به موضوع زنان



لیلا قاسملو

د. قاسملو به برابری کامل زن و مرد باور دارد و معتقد است سرزمین ما توسعه نیافته است،

اما توسعه نیافته‌ترین وضعیت در جامعه به موقعیت زنان برمی‌گردد.

از نظر قاسملو، اولین مساله سنت جامعه کوردستان است که اجازه نداده است زنان به صورت کامل در مبارزه و زندگی، با به پای مردان حرکت کنند. او می‌گوید وقتی می‌گوییم زن نیمی از جامعه است یک واقعیت را گفته‌ایم اما باید اعتراف کنیم در کنار عقب‌ماندگی جامعه نسبت به حقوق زنان، حتی کسانی هم که اعتراف می‌کنند زنان باید به آزادی برسند هنوز تماما به این قناعت نرسیده‌اند که زنان باید در تمام جنبه‌های مبارزه و زندگی حضور برابر و یکسان داشته باشند. او این باور را دارد که حتی خود زنان هم اگر فرصتی برایشان ایجاد می‌شود متاسفانه این آمادگی را نشان نمی‌دهند که وظیفه و مسئولیت‌های خود را قبول کنند و آن را به عهده بگیرند.

از نظر د. قاسملو وقتی ما درباره حقوق زنان صحبت می‌کنیم این واقعیت را قبول کرده‌ایم که مساله نابرابری زنان وجود دارد، درست مانند اینکه قبول کرده‌ایم که کوردها باید حق تعیین سرنوشت داشته باشند. زنان خودشان باید حق تعیین سرنوشت خودشان را به دست بگیرند. اگر آنها به حق تعیین سرنوشت خودشان توجه نکنند دیگران هم به آن توجهی نخواهند کرد. زنان باید در فرادها در فعالیت و تلاش ملت ما مشارکت کنند. او با انتقاد از جمهوری



از نظر قاسملو، اولین مساله سنت جامعه کوردستان است که اجازه نداده است زنان به صورت کامل در مبارزه و زندگی، با به پای مردان حرکت کنند. او می‌گوید وقتی می‌گوییم زن نیمی از جامعه است یک واقعیت را گفته‌ایم اما باید اعتراف کنیم در کنار عقب‌ماندگی جامعه نسبت به حقوق زنان، حتی کسانی هم که اعتراف می‌کنند زنان باید به آزادی برسند هنوز تماما به این قناعت نرسیده‌اند که زنان باید در تمام جنبه‌های مبارزه و زندگی حضور برابر و یکسان داشته باشند

برای آن تلاش می‌کند. از نظر وی رفع ستم ملی باید همزمان با رفع ستم علیه زنان پیش برود و حتی پس از رفع ستم ملی هم ادامه داشته باشد تا سنت‌های تاریخی که زنان را به حاشیه برده‌اند پایان یابد. در اینجا با توجه به پایبندی دکتر قاسملو به دموکراسی و حقوق بشر و نگاه او به زنان از این زاویه، لازم می‌دانم به مساله زنان از نگاه حقوق بشر اشاره کنم:

حق آزادی زنان و مبارزه با تبعیض جنسیتی از موضوعات مهم در پیگیری مستمر برابری جنسیتی و عدالت اجتماعی است. در طول تاریخ، زنان

د. قاسملو با اذعان به اینکه مبارزه برای یکسانی و برابری زنان از تلاش برای رهایی ملت کورد نیز سخت‌تر و طولانی‌تر است، می‌گوید تلاش برای حقوق زنان حتی پس از آزادی مردم کوردستان هم باید تداوم داشته باشد. ایشان نسل‌های بعدی را هم با مسئولیت آشنا می‌کند که باید مبارزه برای یکسانی و برابری زنان را در تمام ابعاد ادامه دهند.

د. قاسملو دموکراسی را تمام و کمال آموخته است و خیلی طبیعی است که در مورد مساله زنان هم با تمام وجود به برابری و یکسانی با مردان باور دارد و

اسلامی می‌گوید این رژیم زنان را دوباره به کنج آشپزخانه تبعید کرده و در زیر چادر سیاه زندانی کرده است. اکنون اگر ایران زندان آزادی‌خواهان است یک زندان بسیار بزرگ برای زنان هم هست بنابراین مبارزه برای حقوق و آزادی زنان به هیچ وجه از مبارزه ملت ما برای دموکراسی و خودمختاری جدا نیست. از نظر قاسملو در هر جایی که دموکراسی بیشتر پیش رفته و ملت‌ها به حقوق خود رسیده‌اند زنان نیز آزادی بیشتری به دست آورده‌اند و این سه مبارزه در راستای همدیگر هستند.

بدون آزادی، هرگز آزادی میسر نخواهد شد

کلا حذف شوند، دغدغه‌هایشان فهمیده نمی‌شوند و به منصف ظهور نمی‌رسد.

زنان امروز جامعه‌ی ما در عرصه‌های مختلف تحصیل کرده و دارای تجربیات بسیاراند و توانایی‌های لازم را برای مدیریت یک جامعه موفق دارند. مسئولیت‌پذیری مادرانه‌شان نیز همانطور که در قبال خانواده‌شان توانسته امور تربیت فرزند و زندگی را به خوبی مدیریت کند؛ می‌تواند در عرصه‌ی کلان اجتماعی نیز ظاهر شود. باید بدانیم این امر مهم زمانی محقق می‌شود که تصویر کلی زن در رسانه‌ها و کتب درسی به تصویری صحیح متحول شود و همچنین شاهد به رسمیت شناختن حق زنان برای تصمیم‌گیری و مشارکت در سیاست‌گذاری و سرنوشت اجتماعی باشیم.

همانطور که پیشتر هم به آن اشاره شد، در مورد تحقق دستیابی زنان به حقوق برابر حرف‌ها و قول‌ها بسیار است، اما برای تحقق این مهم این خود زنان هستند که باید کفش آهنین بیوشند و لیاقت حضور خود را در پست‌های سیاسی و مدیریتی و امنیتی و اجتماعی به معرض ظهور بگذارند.

راهیست جانفرسا، سخت، چالش برانگیز... اما یا می‌شود و یا باید بشود!

می‌گوید که عواملی مانند کلیشه‌های جنسیتی، چالش‌ها و موانع حقوقی برای زنان مهم‌ترین موانع به شمار می‌آید.

کلیشه‌های جنسیتی عمدتاً ریشه در فرهنگ و باورهای جامعه دارد و در جامعه‌های ملیتی و سنتی سال‌ها زن به عنوان فردی که جایش صرفاً در خانه و آشپزخانه است شناخته شده و همیشه نقش زنان به وسیله‌ی مردان تعریف شده است، اما حالا که زنان می‌خواهند خودشان امور را در دست گرفته و توانایی‌هایشان در عرصه‌های مختلف به همه ثابت شده است؛ باید شاهد تغییر در باورها و ایجاد سهمی برای حضور موثر آن‌ها باشیم. باین حال زنان برای حضور در اجتماع مجبور به فعالیت بیشتر هستند و در عین حال که باید برای جایگاه اجتماعی خود که طبق تعاریف امروز در بیرون از خانه به دست می‌آید؛

بجنگند. خانه نیز باید اولویت اول آن‌ها قرار بگیرد؛ بنابراین فرصت‌های نابرابر برای رسیدن به عرصه‌ی سیاست‌گذاری باعث می‌شود که به راحتی از این حوزه حذف شوند، اما در کنار این مسئله؛ در قوانین، حضور آن‌ها در عرصه‌های تصمیم‌گیری پیش بینی نشده است و بدیهی است وقتی زنان از عرصه‌ی تصمیم‌گیری

دلیل ارتباط ضعیف بین صاحب‌نظران علمی و مدیران اطلاعات مورد نیاز در مورد وضعیت زنان به سطح سیاست‌گذاری نمی‌رسد یا اگر اطلاعات و دغدغه‌ها وارد سیستم سیاست‌گذاری می‌شود به مرحله‌ی اجرا نمی‌رسد. اگر هم خود زنان مسئول اجرایی کردن آن باشند، به دلیل تشریفات بودن جایگاه آن‌ها، معمولاً اقدامات آن‌ها به نتیجه‌ی مطلوب نمی‌رسد و یا با تغییر دولت‌ها تمام اقدامات قبلی بلااثر و دوباره چرخه‌ی معیوب نشیندن دغدغه‌ها و عدم برنامه‌ریزی برای حل بحران زنان شروع می‌شود.

در حال حاضر چرخه‌ی سیاست‌گذاری امور زنان به این صورت است که در مرحله‌ی اول مطالبات بسیار زیاد است و برای حل این مشکلات معمولاً طراحی صحیح متناسب با نقش زن در خانواده و جامعه انجام نمی‌شود و پس از آن در مرحله‌ی اجرا همه چیز به ناگاه با موانع بزرگ مانند بودجه، عدم تمرکز و اولویت بندی بین مشکلات و مابقی بهانه‌ها "مافیای زن ستیز در هر دستگاه" روبرو می‌شود.

تجربه‌ی زیسته‌ی زنانی که قدم در راه نقش‌آفرینی در سیاست‌گذاری‌ها کردند،

نظر می‌دهند، اما با این وجود از حرف تا عمل راه زیاد است و هنوز برای تصویب قانون برابری یا اقدام برای زنان سال‌ها دوندگی و کفش آهنین پوشیدن را باید تجربه کرد.

فعالیت‌های احزاب، انجمن‌ها، NGOها و تشکل‌ها راجع به مشکلات زنان روز به روز بیشتر می‌شود.

سهم زنان از حضور در سطوح مدیریتی به طور کلی مشارکت زنان در جامعه‌ی به دو دسته تقسیم می‌شود که شامل مشارکت عموم زنان مانند شرکت در انتخابات و تجارب اجتماعی است و مشارکت در سطوح بالا و نخبگان که شامل به دست آوردن مناصب عالی و حضور در نهادهای تصمیم‌گیر جامعه است. در واقع این نوع مشارکت زنان، خواسته‌ها و دغدغه‌های آن‌ها را به سیستم مدیریت جامعه وارد و در سطح مردم اعمال خواهد کرد. در این سطح، زنان به عنوان نماینده‌ی مجلس که نهاد قانونگذار این کشور است حضور دارند.

چرخه‌ی معیوب سیاست‌گذاری در حوزه زنان در چرخه‌ی سیاست‌گذاری معمولاً به

آزادگی یعنی فارغ شدن از هرگونه بند ذهنی و احساسی، مثل: تعصبات ملی، مذهبی، فرهنگی غالب بر محیط،

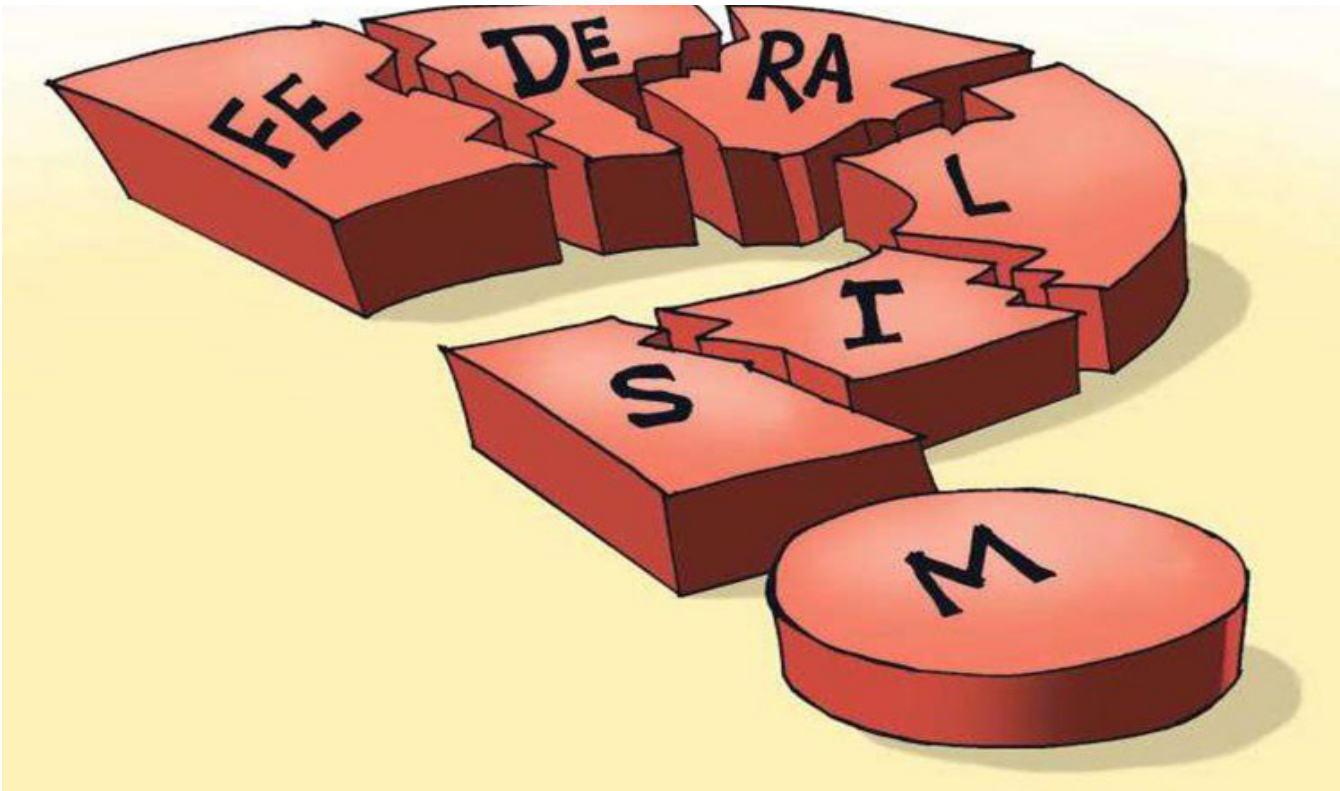
تفکیک جنسیتی، طبقه‌گرایی مالی در جامعه و ... در این نوشته به نقش زنان در مادری کردن برای همه جامعه می‌پردازیم

زنان بیش از نیمی از جمعیت دنیا را تشکیل می‌دهند و نیم دیگر را به دنیا می‌آورند و تربیت می‌کنند. مادرائی که شاید قرن‌ها در خانه مسئولیت مهم تربیت و پرورش فرزند را برعهده داشتند، امروز می‌خواهند در عرصه‌ی سیاست و مدیریت هم سهیم باشند. زنان به این نتیجه رسیده‌اند که تا خودشان در بطن سیاست‌گذاری‌ها حضور پیدا نکنند، مطالبات‌شان به سرانجام مطلوب نخواهد رسید.

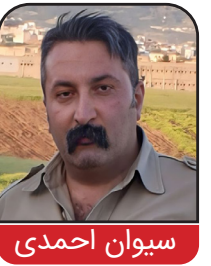
در دنیای امروز که از مباحث مربوط به حوزه زنان و حقوق آن‌ها و خانواده بسیار گفته می‌شود و در هر سوراخ و سنبه‌ای می‌توان جلسه‌ای مربوط به زنان و خانواده پیدا کرد؛ شاهد این هستیم که همه به نوعی در امور مربوط به زنان



د. آوی‌سا رضایی



چرا فدرالیسم؟



سیوان احمدی

قدرت را شامل می‌شود که قدرت حکومت مرکزی در تناسب با وضع قوانین در چارچوب خودمختاری مناطق خودگردان باشد. در تفکر تکنیکی کارل فردریش (۱۹۶۸) اشاره به این دارد که ارتباط قانونی حکومت ملی و تقسیم قدرت با سیاستهای منطقه‌های خودمختار. رایگر (۱۹۷۵) نیز می‌گوید: جنبشی سیاسی حکومتی که فعالیتهای منطقه‌ای و حکومت مرکزی با تقسیم قدرت و وضع قوانین به اداره کشور می‌پردازند. سلین و واندیور به سیاستهای کلی و تقسیم قدرت ما بین حکومت مرکزی و حکومتهای منطقه‌ای می‌پردازند و جینا بیندر (۲۰۰۹) به ضرورت فدرالیسمهای وسیع‌تر چون مرزبندی جغرافیایی می‌پردازد و همچنین ایجاد و اضمحلال آن قدرت و قوانین بصورت دوگانه که هر دو جانب را شامل می‌شود.

فدرالیسم در مجموع به سیستم حکومتی اطلاق می‌شود که در آن حق حاکمیت مطابق قوانین اساسی ما بین قدرت حکومت مرکزی و واحدهای سیاسی تشکیل دهنده آن همچون ایالتها و استانها تقسیم شده است. نظامی که بر مبنای دموکراسی و با تقسیم قدرت و پیاده‌سازی قوانین حکومتی با کمک سازمانها و نهادها بین حکومت ملی و ایالتی و یا استانی تقسیم می‌شود، فدرالیسم نامیده می‌شود. در قالب کلاسیک فدرالیسم تمرکزگرایی قدرت سیاسی دولت مرکزی محسوب می‌شود اما امروزه به عدم تمرکزگرایی مفهوم می‌شود یعنی در نقطه تقابل با گذشته خود قرار دارد. یعنی؛ سیر تکاملی و یا گذار از سنترالیسم به دیسانترال.

سازماندهی سیستماتیک و تئوریزاسیون فدرالیسم را در دولت شهرهای هلنی یونان می‌توان با اتحادیه‌های آمفیکتونیک، ایتولی، پلوپونزی و دلوس و اخائیه در یونان کلاسیک شناخت و در قالب مدرن آن به کنفدراسیون کهن سوئیس، جمهوری هلند و کنفدراسیون آلمان و اتحادیه اول و دوم آمریکا به نام ایالات متحده آمریکا به‌روزرسانی‌تر مشاهده کرد.

فدرالیسم مدرن و انواع آن

شیوهی مدرن آن در قانون اساسی کشورها توسط مونتسکیو و پرودون در دوره روشنگری پایه‌گذاری شده است، بدین صورت که تفکیک‌سازی سه قوای مقننه، قضائیه و مجریه در کنار مطلقیت حکومت مرکزی انجام می‌گیرد. در قرن بیستم اشکال حکومتیهای مدرنتر جمهوری و مردم بر مردم، اعمال و تقسیم قدرت را از کشور به استانها و شهرها توزیع کرد و در نتیجه مجال برای جولان اپوزیسیون و همچنین فرصتی برای مشارکت در توسعه سیاسی اقتصادی کشورها را ارتقا داد. بسته به شرایط جغرافیایی و فرهنگی و همچنین ایده‌های نگرشی دولتی شیوه‌های مختلفی را می‌توان مشاهده کرد که به اختصار به شرح زیر هستند: یگانه چون اتریش، دوگانه چون ایالات متحده آمریکا، مشارکتی چون آلمان و سوئیس، رقابتی و همچنین متقارن چون آمریکا و نامتقارن چون اسپانیا مابین چند استان، پایدار و یا آزاد، قبیله‌ای قومیتی و مذهبی و جغرافیایی همچون کانادا، کامرون و نیجریه و مالزی و هندوستان و امارات متحده عربی و استرالیا و جزایر پلینزی و... که هر کدام حالات و شرایط مختص به خود را دارند.

بطور رسمی اولین کشوری که به

برای درک و تصور و تجسم از این مکتب سیاسی اجتماعی می‌بایست به درستی زیرساختها،

اپیستمه و ترمینولوژی و کروئولوژی فندامنتال این واژه را ریشه‌یابی و به خوبی تعریف و تفهیم کرد و آن را نه به دیدگاه عوام‌گونه‌ای تاویل کرد و نه با اتهام تجزیه‌طلبی به آن نگریست، آنچنان که به صورت عوام فریبانه و از سوی فاشیسم و راسیسم و شوونیسم به آن هجمه صورت گرفته است.

هر چند طی مطالعه‌ی این نوشته نمی‌توان به صورت جامع به مفهوم سیاسی فدرالیسم رسید، اما در مواجهه با این واژه چنین می‌توان دریافت کرد که، چرا فدرالیسم؟ و چرا فدرالیسم برای سیستم حکومتداری کشورهایی چند ملیتی و چند زبانی مناسب است؟ به این مفهوم که چرا در کشورها و محدوده‌های جغرافیایی که تنوع و تکثر ملیتها و قومیتها و مذاهب و فرهنگها و زبانها در آن موج می‌زند یکی از شروط لازمه برای رسیدن به جامعه‌ای دموکراتیک و روند دموکراتیزاسیون، فدرالیسم است و تقریباً می‌بایست از فدرالیسم بعنوان تلاشی جدی و کارکردگرایانه در جهت احقاق حقوق شهروندی و سوسیالیسمی بهره برد.

- فدرالیسم چیست؟

فدرالیسم به لحاظ لغوی از ریشه فیدوس یا فیدوریش با منشا تاریخی ۳۰۰ سال قبل از میلاد مسیح در اسرائیل باستان پیش از حکومت مادها و پیشتر از آنها و حتی دولت‌شهرهای یونانی و جمهوری رومیان شکل گرفته و به معنای اتحاد و قرارداد و توافق و پیمان است. اما قبل از پیدایش مدرن آن در آمریکا، مونتسکیو در معنی امروزین آنرا مفهوم‌سازی کرد، البته در سده‌ی چهارم میانه جانز آلتوسیوس در ۱۶۰۳ دریافت و استنباط کرده بود که ریشه مشکلات حکومتی و دولتی جامعه ارتباط تنگاتنگی با فدرالیسم دارد و در همین مورد هم تئوری فدرالیستی خود را تدوین نمود که می‌توان به پدر راستین این تئوری از آن یاد کرد که با اندیشه‌های آکویناس و کانت و هیوم و اسپینوزا و روسو نهایتاً مونتسکیو به رشد و تکامل خود دست یافته است. در ایران باستان نیز ساتراپ‌های هخامنشی و کوستگ‌های ساسانی چنین اداره می‌شده‌اند، بعد از ورود اسلام نیز در دوره‌های امویان و عباسیان و حکومتهای منطقه‌ای نیز حکمرانی شبه فدرالیسم داشته و بعدها در انقلاب مشروطه دوره قاجاریه نیز با سیستم فدرالی اداره شده است.

در مفهوم سیاسی آن به گروهی و واحدهایی از آدمهای ساکن آن استانها و ایالتها و یا منطقه و محدوده جغرافیایی گفته می‌شود که با همدیگر متعهد شده و به نمایندگی از آنها یک حکومت مرکزی متشکل گردیده است که بصورت ائتلافی با هم و در یک کشور و یا در یک مرز مشخص با تقسیم قدرت به مرزبندیهای مشخص سیاسی دست یابند.

در مختصرترین تعریف کوتاه و کاربردی آن به تعریف دانیل الزاره برمی‌خوریم: حکومت خود در کنار حکومت مشترک. در دیدگاه وهیر (۱۹۶۶) چنین آمده است: قوانین اساسی به شیوه‌ای تقسیم

و اعیان به نمایندگی مردم و یا یک ملت و یا چندین ملت می‌تواند به وضع قانون و توزیع قدرت دست یابد و برای عدم تداخل با ارای حکومت مرکزی استفاده از پارلمان سنا را می‌توان تجویز کرد که مشارکت رای دهندگان و نمایندگان ملتها و صلاحیت و انتصابات و ضمانت اجرایی و اختیارات جابجایی قوانین و بسط و گسترش حیطه اختیارات را در داگاه عالی فدرال را قضاوت و نظارت و بررسی و برقرار نمود، به نحوی که مشکلات و عدم کارکرد و پاسخگویی‌های مابین ایالات و یا استانها و تداخلات ما بین دولت فدرال و سایر ایالات را به راحتی حل و فصل کرد.

در کشوری نظیر ایران با محدوده جغرافیای گسترده و متنوع که با پیچیدگیهای ملیتی و اتنیک و مذهبی و فرهنگی و زبانی مختلفی مواجهه است می‌توان بعد از براندازی و تشکیل دولت گذار و ایجاد پارلمان موسسان با شروط چگونگی سیستم ساختاری از طریق انقلاب و رفراندوم با لحاظ کردن شیوه و رویه حکومت و چگونگی تعیین دولت آن به راحتی فدرالیسم را با اتفاق و اتحاد آرا پیاده‌سازی کرد و روند فدرالیزاسیون را با مشارکت نیروهای بومی با حق تعیین سرنوشت ملیتها و اداره‌کردن مناطق زیستن خودشان با حالتی از فدرالیسم ملی - جغرافیایی را تسهیل کرد و چون با استقبال ملتهای دموکراسی‌خواه می‌تواند به خوبی هم جهت باشد امید است که بازتاب و کارکرد مناسبی از فدرالیسم را شاهد باشیم.

خاصیت و ویژگی فدرالیسم چنین است که اتمسفری از پلورالیسم فلسفی و سیاسی را با دموکراسی از طریق عدم افراط‌گرایی و اجتناب از سیستمهای توتالیتر و ایجاد سندیکاها و اصناف خود گردان را ایجاد کند که نهادهای اجتماعی و مردمی با مشارکت و رقابت به متعادل‌سازی روند یاری رسانند. سیاستهای مردم سالارانه فدرالیستی پلورال اصلی راهنما در همزیستی مسالمت آمیز به شمار می‌آید در چنین زمینه و بستری ایجاد دیسکورسها و گفتمانهای تحلیلی و انتقادی به خوبی جهت دهی شده و کانالیزه خواهند شد که کفه سنگین فدرالیسم را با تشکل شایسته سالاری دولتی و انتخاب نمایندگان احزاب از طریق کسب آرا مشخص و با قوانین از پیش تعیین شده ایجاد و به سوی خود می‌کشاند. با رعایت حقوق سوسیالیستی هر انسان در فردیت و هر ملت در کلیت از طریق نمایندگان و کسب کرسی طیف گسترده‌ای از مردمان با هر عقیده و زبان و فرهنگ و ... اقلیتی را در زیر مجموعه‌ای به نام

فدرالیسم مدرن در سال ۱۷۸۹ روی آورد ایالات متحده آمریکا و سپس سوئیس در سال ۱۸۴۸ و بعد از آنها کانادا در سال ۱۸۶۷ بود. در اتحاد جماهیر شوروی سابق نیز شاهد فدراتیوی از اتحاد جمهوریها و هر ملت یک جمهوری در حیطه اختیارات هر جمهوری تعیین شده و متمایز بودیم.

فواید فدرالیسم

هر سیستم و ساختاری سیاسی را می‌توان با کارکرد و نتیجه‌های آن بطور مثبت و کاربردی سنجید و از فواید آن بهره برد. در سیستم فدرال این ویژگیها عبارتند از:

سیستم سیاسی لایه‌ای به شکل اتونومی خودگردانی- مشارکت دموکراتیک- تسهیل در مشارکت- توزیع قدرت و تصمیم‌گیری در سطوح مختلف- اکتساب تخصص- اکتساب تجربیات سیاسی و اقتصادی - عدم تمرکز قدرت در فردیت یا در حکومتی مطلقه بصورت تفکیک قوا و ایحاد و وضع قوانی - ارتقای رقابت و آموزش و تربیت و پرورش نیروهای مختص هر منطقه و ملیت.

بطور مشخصی نمی‌توان نکاتی زیانبار و یا ایرادات کلی و فراگیری را برای فدرالیسم قائل شد و محدودشوندگی این روند را به جزئیات و پارتیهای کوچکتری در سطوح نازلتر ایالتی و استانی و شهری تقلیل داد و تحلیل کرد که در قوانین ایالتی خودگردان بسیاری از این مواجهات قابل ترمیم و اصلاح خواهند بود. اما برای توازن قوا و تعادل قدرت سیاسی به عدم تمرکز قدرت یا دیسنترالیشن یا همان تمرکززدایی سیاسی روی آورد. توزیع حیطه اختیارات مابین دولتهای فدرال و استانها یا ایالتها بر اساس قوانین استانی و کشوری به صورت انتخابات و از سمت نمایندگان احزاب انجام می‌گیرد، بطور مثال دولت فدرال مسئول امنیت خارجی و سیاستها و اقتصادهای خارجی و مالی است در حالی که استانها یا ایالتها در ایجاد امنیت داخلی از طریق پلیس و یا آموزش و اقتصادهای داخلی تعیین کننده هستند.

با نگرش به تفاوتها و شباهت‌های فدرالیسم اروپایی و آمریکایی و مدلاسیونهای مختلف در بسیاری از کشورهای دیگر می‌شود به طور کاربردی و نظری ایدئولوژیکی ساختارها را به خوبی بررسی کرد و به تعمیمهای کاربردی‌تری نیز دست یافت که بتوان از آن قوانین بنا به جغرافیا و فرهنگ و تاریخ خود در راستای ارتقای اداره‌کردن ایالت و یا استان خود با تعریف نیروهای بومی پرداخت.

در ساختارهای فدرالیستی نهادهای فدرالیسمی با قوه مقننه دو مجلسی عوام

فدرالیست ایرانی تجمیع خواهد داد. اما متأسفانه و شوربخانه مباحث فدرالی با توجه به چند ملیتی بودن ایران با موانعی چون هژمونی حکومتی کلیتوکرات و مافیا گونه از فاشیسم مذهبی تئوکراتیک دیکتاتوری خود را قریب به نیم قرن ادامه داده است و همچنین فکریت شوونیسمی فاشیستی سانترالی در سطوح فردی‌گرایی و حکومت و دولت مرکزی روبرو بوده است که با در نظر نگرفتن و عدم تأیید و به رسمیت نشاخصن دیگر ملیتهای موجود در ایران توسط حکومت و دولت مرکزی همراه بوده و با پیشینه‌ی بلند بالایی از زیر پا نهادن و عدم احترام و کرامت و آسیمیلیگی و تبعیض عجین بوده است.

در جنبش "ژن، ژیان، نازادی" نیز با مخالفت‌های اتیکت‌گرایانه از سمت سلطنت‌خواهان هم‌راستا با رژیم ج ا تضادهای ایونولوژیکی بوجود آمد که به ملیتها و احزاب اپوزیسیون غیر فارس اتهام زدند و بذر ناپخته‌ای از عدم اطمینان و اعتماد و کارکرد از فدرالیسم را به راه انداختند. همچنین اتهامات ناروایی چون تجزیه‌طلبی و مبحث تمامیت ارضی را از طریق هواداران و رسانه‌هایشان به جنبش تزریق کردند این آلودگی سیاسی ساخته و پرداخته فاشیسم باورهای قومیتی و مذهبی بوده است که موجبات عوام فریبی را فراهم ساخته‌اند با این فکریت که مردمان فلات ایران به راحتی گول خواهند خورد اما با هشجاری و اتخاذ سیاستهای احزاب اپوزیسیون غیر فارس چون احزاب کوردی و بلوچها و آذربها و اعراب و ... به شدت محکوم و پاسخ داده شده است. در دفاع از فدرالیسم به اختصار همین را می‌توان عرضه کرد که با در نظر گرفتن رعایت آزادی و حقوق بشر، ساختاری تئوریک و عملی است که حق هیچ فردی ولو در اقلیت‌ترین حالت بودن و موجودیت خود باشد، ضایع و پایمال نخواهد شد.

منابع:

- فدرالیسم در آلمان، آلبرت فونک
- فدرالیسم، آرتور بنز و گرهارد لهما بروخ
- فدرالیسم در کشورهای چند ملیتی، مرکز تحقیقات استراتژیکی حزب دمکرات کوردستان ایران
- فدرالیسم، رولند شتورم و پیترو شتاپنهارت
- مقالات فدرالیست، الکساندر همیلتن، جیمز مدیسن و جان جی

پیام جوانان کورد و تورک ارومیه

در رابطه با سالروز ترور دکتر قاسملو



جوانان کورد و تورک ارومیه همزمان با ۲۲ تیر سالروز ترور دکتر عبدالرحمن قاسملو و یارانش توسط دیپلومات تروریست‌های رژیم جمهوری اسلامی پیامی منتشر کردند. در پیام جوانان آزادیخواه کورد و تورک ارومیه آمده است: «امسال ۲۴ سال از ترور مشاهیر و رهبر ملت کورد دکتر «عبدالرحمن قاسملو» می‌گذرد. سی و چهار سال پیش رهبر ملت کورد و دبیرکل حزب دموکرات کوردستان ایران، دکتر عبدالرحمن قاسملو و یارانش در شهر وین اتریش توسط دیپلومات

تروریست‌های رژیم جمهوری اسلامی ایران بر سر میز مذاکره به شهادت رسیدند. دولت اتریش در آن زمان به خاطر منافع خود پرونده تروریسم را بست و تروریست‌های رژیم ایران با استقبال بزرگی به ایران برگشتند. در این نامه آمده که گرامیداشت سی و چهارمین سالگرد ترور رهبر فرزانه کورد دکتر قاسملو در حالی است اتحاد و انسجام بی‌سابقه‌ای پس از انقلاب «زن زندگی آزادی» بین ملل ایران رخ داده است. جوانان کورد و تورک همچنین افزودند: «دکتر قاسملو در راستای وحدت و اتحاد ملت‌های تحت ستم رژیم جمهوری اسلامی و برای یک ایران دموکراتیک و سکولار مبارزه می‌کرد که در آن حکومت، ملیت‌های کورد و تورک و بلوچ و سایر ملیت‌ها بصورت یکسان زندگی کنند». آزادیخواهان کورد و تورک ارومیه در آخر اعلام کردند که ما بعنوان جوان کورد و تورک ارومیه، یاد و خاطره این شخصیت نامدار سیاسی و رهبر ملت کورد را گرامی می‌داریم و راه او به اهداف والای او که اتحاد و انسجام ملیت و اقلیت‌های ایران و آزادی ایران و یک حکومت سکولار دموکرات می‌باشد، ادامه خواهیم داد.

بیانیه جبهه متحد کورد

در رابطه با کشته شدن دو شهروند کورد در زندان‌های رژیم



«دکتر قاسملو در راستای وحدت و اتحاد ملت‌های تحت ستم رژیم جمهوری اسلامی و برای یک ایران دموکراتیک و سکولار مبارزه می‌کرد که در آن حکومت، ملیت‌های کورد و تورک و بلوچ و سایر ملیت‌ها بصورت یکسان زندگی کنند». آزادیخواهان کورد و تورک ارومیه در آخر اعلام کردند که ما بعنوان جوان کورد و تورک ارومیه، یاد و خاطره این شخصیت نامدار سیاسی و رهبر ملت کورد را گرامی می‌داریم و راه او را تا رسیدن به اهداف والای او که اتحاد و انسجام ملیت و اقلیت‌های ایران و آزادی ایران و یک حکومت سکولار دموکرات می‌باشد، ادامه خواهیم داد.

جوانان کورد و تورک ارومیه همزمان با ۲۲ تیر سالروز ترور دکتر عبدالرحمن قاسملو و یارانش توسط دیپلومات تروریست‌های رژیم جمهوری اسلامی پیامی منتشر کردند. در پیام جوانان آزادیخواه کورد و تورک ارومیه آمده است: «امسال ۲۴ سال از ترور مشاهیر و رهبر ملت کورد دکتر «عبدالرحمن قاسملو» می‌گذرد. سی و چهار سال پیش رهبر ملت کورد و دبیرکل حزب دموکرات کوردستان ایران، دکتر عبدالرحمن قاسملو و یارانش در شهر وین اتریش توسط دیپلومات تروریست‌های رژیم جمهوری اسلامی ایران بر سر میز مذاکره به شهادت رسیدند. دولت اتریش در آن زمان به خاطر منافع خود پرونده تروریسم را بست و تروریست‌های رژیم ایران با استقبال بزرگی به ایران برگشتند. در این نامه آمده که گرامیداشت سی و چهارمین سالگرد ترور رهبر فرزانه کورد دکتر قاسملو در حالی است اتحاد و انسجام بی‌سابقه‌ای پس از انقلاب «زن زندگی آزادی» بین ملل ایران رخ داده است. جوانان کورد و تورک همچنین افزودند:

تروریسم مذهبی به سبک و سیاق جمهوری اسلامی

قبل از خدا حافظی



آرمان حسینی

تروریسم مذهبی در تعریفی ساده و کلی به معنای به کارگیری خشونت نامتعارف با انگیزه‌های مذهبی جهت نیل به اهداف سیاسی است. این خشونت از طریق گروه‌های سازمان‌یافته که دغدغه‌های مذهبی دارند صورت می‌پذیرد. در این معنا مذهب می‌تواند به عنوان دستاویزی برای اقدام به جنگ و اعمال خشونت از سوی دولت‌ها و یا گروه‌های افراط‌گرا به کار گرفته شود. پدیده‌ای که در جمهوری اسلامی جلوه یافته است و نویسنده در این نوشتار قصد دارد به شرح آن بپردازد.

پس از تصاحب قدرت توسط رهبران جمهوری اسلامی ایران و در راس آن خمینی، خوانشی افراط‌گرایانه و رادیکال از مذهب سایه شوم خود را بر ایرانی که دارای تنوعات دینی و مذهبی (البته در کنار تنوعات ملیتی که مورد بحث این نوشتار نیست)، تحمیل کرد که همچنان تداوم دارد. خوانشی افراطی که در آن مذهب شیعه جعفری دوازده امامی با خوانش لزوم پیاده‌سازی ولایت مطلقه فقیه، مذهب رسمی کشور شد و رویا جهانی شدن را در سر می‌پروراند.

در همان اوایل جمهوری اسلامی برای جهانی‌سازی جنبش به گفته خودشان حزب‌اللهی، سیاستی را اتخاذ کرد که بر مبنای صدور انقلاب یا به تعبیر نگارنده، تروریسم مذهبی بوده و هست. تروریسمی مذهبی که در سطوح تروریسم مذهبی منطقه‌ای و تروریسم مذهبی جهانی جلوه یافته است. برای درک بیشتر مسئله در ادامه تعاریف تروریسم مذهبی منطقه‌ای و جهانی ارائه می‌شود.

تروریسم مذهبی منطقه‌ای: اهداف این دسته از فعالیت‌های خشونت‌آمیز، کشورهایایی هستند که دچار بحران‌های ملی و یا داخلی می‌باشند. بحران‌هایی که غالباً از تمایز مذهبی نشات می‌گیرند. تحریک هر یک از مذاهب که ممکن است متعلق به ملت‌های متمایزی نیز باشند، می‌تواند به درگیریهای مستقیم و غیرمستقیم بدل گردد. به کارگیری محرک‌های مذهبی می‌تواند در چنین جوامعی موجب برافروختن احساسات و عواطف مردم باشد که گاه در اوج خود روش‌های انتحاری را در تروریسم منجر می‌گردد. نمونه بارز و محرز این نوع از تروریسم، مداخلات رژیم جمهوری اسلامی در قالب صدور انقلاب (تروریسم مذهبی) به کشورهای منطقه خاورمیانه منجمله؛ فلسطین، سوریه، یمن و ... است

که موجب بی‌ثباتی و ویرانی این کشورها شده است. جمهوری اسلامی ایران با سوءاستفاده از بحران ملی و اکثراً مذهبی موجود در این کشورها و حمایت از گروه‌های فرقه‌ای و مذهبی عملاً این منطقه را ناامن و به منبع بی‌ثباتی و ترور خاورمیانه تبدیل کرده است. نمونه‌ای برجسته حمایت تهران از گروه‌های مذهبی فلسطینی همچون جهاد اسلامی است که با موشک‌پرانی و گروگانگیری و ترور فضایی ناامن و بی‌ثبات را هم بر کشور اسرائیل و هم بر سرزمین‌های فلسطین تحمیل کرده است.

تروریسم مذهبی جهانی: در این سطح از تروریسم دولت‌ها و گروه‌هایی که با انگیزه‌های مذهبی فعالیت‌های خود را در سطح جهان گسترش داده‌اند توسعه ایدئولوژیکی خود را دنبال می‌نمایند. این گسترش فعالیت که منجر به توسعه شبکه‌ای تروریسم در جهان شده است، گروه‌های سازمان‌یافته‌ای را که ارتباطات زنجیره‌ای با هم دارند به نمایش می‌گذارد. این دسته از گروه‌ها به زعم خود در پی تغییر جهان و از بین بردن نمادهای شرک و کفر هستند. نمونه‌های بارز آن القاعده، داعش، گروه‌های جهادی فلسطینی و لبنانی محسوب می‌شوند که غالب آنها از حمایت حکومت دین‌سالار ایران

برخوردارند.

نمونه‌های بسیاری از تروریسم مذهبی در سطح جهانی که توسط جمهوری اسلامی ایران اعمال می‌شود، وجود دارد. حتی می‌توان بعدی از ترور رهبری فرزانه همچون دکتر عبدالرحمان قاسملو دبیر کل اسبق حزب دموکرات و همراهانش در ۲۲ تیر ماه سال ۱۳۶۸ در وین پایتخت کشور اتریش توسط هیئت حکومت ایران بر سر میز مذاکره را ترور مذهبی در سطح جهانی دانست. اگرچه ابعاد ملی آن به دلیل مبارزه دکتر قاسملو در راستای احقاق حقوق ملی کوردها بسیار برجسته‌تر است. این بدان معناست که تروریسم مذهبی تنها به دنبال ترور اعضای مذهب مخالف نیست. بلکه بیشتر به معنای استفاده از گروه‌های مذهبی برای ترور مخالفان رژیم است.

در همین چارچوب ترور شاپور بختیار و کاظم رجوی به فرمان سران اصلی جمهوری اسلامی و با همکاری گروه‌های افراطی مذهبی وابسته به رژیم ایران در کشورهای اروپایی را می‌توان از نمونه‌های دیگر تروریسم مذهبی جهانی عنوان کرد. در این رابطه بعدها و در مرداد ماه سال ۱۳۸۷ انیس نقاش در مصاحبه‌ای با خبرگزاری فارس، جزئیاتی از برنامه ترور شاپور بختیار را بازگو کرد. نقاش

درباره ورودش به ماجرای ترور آقای بختیار گفته بود، «حکم اعدام بختیار در دادگاه انقلاب صادر شد که امام (آیت‌الله روح‌الله خمینی) هم آن را تأیید کرد. من به بچه‌های سپاه گفتم که باید هر چه زودتر عمل کنید چون این آدم خطرناکی است و کارش را در پاریس تمام کردیم». نهایتاً و با اتکاء و رجوع به فاکت‌ها و اسناد موجود که کم هم نیستند، می‌توان گفت که جمهوری اسلامی ایران با خوانش رادیکال و افراطی از مذهب، یکی از نمونه‌های برجسته تروریسم دولتی است که تاکنون تاریخ به خود دیده و این رژیم زیر لوای «صدور انقلاب» یا همان تروریسم مذهبی که در این نوشتار نام گرفت، موجبات ترور شخصیت‌های برجسته سیاسی و مذهبی، بی‌ثباتی در سطح منطقه‌ای، ایجاد فضای رعب و وحشت در سطح جهانی که نمونه‌های آن را در کشورهای اروپایی در سال‌های اخیر مشاهده کرده‌ایم و در کل نقض قوانین بین‌الملل را مستقیماً و یا از طریق گروه‌های تروریستی حامی خود فراهم آورده است. از این روی، تنها راه بازگشت ثبات و امنیت به منطقه و کاهش چشمگیر ابعاد تروریسم در سطح جهان سرنگونی این رژیم مرتجع است.